

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان

تضاد دولت و ملت

نظریهٔ تاریخ و سیاست در

ایران

ترجمهٔ علیرضا...



نشرنی

www.ketab.ir

کاتوزیان، محمدسنی، ۱ -

تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران / محمدعلی
همايون کاتوزیان؛ ترجمه علیرضا طبیب. - تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۴۱۲ ص.

IS-BN 964-2-2-2-2-2-2

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

چاپ یازدهم: ۱۳۹۳.

۱. ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۳ ق. ۲. ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۳ ق. ۳. قرارداد ایران و انگلیس - ۱۹۱۹.
۴. خلیفانی، محمد، ۱۲۹۷-۱۳۳۸ ق. الف. طبیب، علیرضا - ۱۳۳۹ - ب. عنوان. ج. عنوان: نظریه تاریخ و سیاست در ایران.

۹۵۵/۰۷۴۰۲۲

DSR ۱۳۱۲ / ۵۲

۱۳۸۰

م ۸۰۰۵۰۱۳

کتابخانه ملی ایران



تضاد دولت و ملت
نظریه تاریخی و سیاست
ایران

دکتر محمدعلی همایون وزیری

مترجم: علیرضا طبیب
چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۹۳
تعداد: ۱۰۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۰۰۰۰ تومان
لیتوگرافی: باختر
چاپ و صحافی: علی
ناظر چاپ: بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۶ ۵۷۲ ۲۱۲ ۹۶۴

www.nashreney.com

فهرست مطالب

۹	یادداشت‌ها	مؤلف
۱۱	پیشگفتار	
۱۴	یادداشت‌ها	
۱۵	مقدمه	
۱۹	یادداشت‌ها	
۲۱	۱. ویژگی‌های علمی نظریهٔ حاکمیت خودمختار	
۳۸	یادداشت‌ها	
۴۱	۲. به سوی نظریهٔ عمومی انقلاب‌های ایران	
۴۱	چکیده	
۴۱	طرح مسئله	
۴۲	قیام‌های اقتدارستیز	
۴۳	نظریهٔ عمومی انقلاب‌ها؟	
۵۱	قیام‌ها و انقلاب‌های ایران	
۵۹	دو انقلاب سدهٔ بیستم ایران	
۶۵	جمع‌بندی	
۶۷	یادداشت‌ها	
۷۳	۳. فرقهٔ ایزدی و حق الهی پادشاهان	
۱۰۵	یادداشت‌ها	

۴. گونه‌های لیبرالیسم اروپایی و مفاهیم نو آزادی در ایران
- ۱۱۱ موضوع بحث
- ۱۱۱ حکومت‌های مطلقه اروپایی و حکومت خودکامه ایرانی
- ۱۱۲ گونه‌های مختلف لیبرالیسم اروپایی
- ۱۱۶ آزادی چونان حقوق
- ۱۲۳ آزادی، زمانتسیم و ملت‌گرایی
- ۱۳۰ آزادی چونان لجام‌گسیختگی
- ۱۳۳ فراز و فرود آزادی
- ۱۳۹ یادداشت‌ها
- ۱۴۰ یادداشت‌ها
۵. آزادی، جامه‌پوشی و انقلاب مشروطیت
- ۱۴۹ تحلیل انقلاب
- ۱۵۸ تذکری سوره تقی‌علما
- ۱۶۵ مشروطیت و سراج
- ۱۷۳ تذکرات پایانی
- ۱۷۹ یادداشت‌ها
- ۱۸۱ یادداشت‌ها
۶. مسائل دموکراسی و حوزه همگانی در ایران نو
- ۱۹۱ یادداشت‌ها
- ۲۰۹ یادداشت‌ها
۷. در تعصب و خامی و تجلی آن در جامعه کلنگی
- ۲۱۳ یادداشت‌ها
۸. رژیم پهلوی در ایران چونان یک رژیم سلطانی
- ۲۲۵ حکومت پهلوی، دیکتاتوری، فترت، و سلطانیسم
- ۲۲۹ دولت و ایدئولوژی
- ۲۳ احزاب سیاسی
- ۲۳۷ نیروهای مسلح و شبکه‌های امنیتی
- ۲۴۰ دولت و فساد رسمی
- ۲۴۵ منطق و روان‌شناسی حکومت خودکامه
- ۲۴۹ یادداشت‌ها
- ۲۵۵ یادداشت‌ها

۲۶۱	۹. قیام شیخ محمد خیابانی
۲۶۱	پیشینه قیام
۲۶۹	خیابانی
۲۷۵	ریشه‌های قیام خیابانی
۲۸۰	قیام
۲۹۵	شکست خیابانی
۳۰۳	تحلیل قیام
۳۰۶	یادداشت‌ها
۳۱۵	۱۰. مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس
۳۱۵	چشمه
۳۱۵	موضوع
۳۱۶	پیشینه
۳۱۹	مبارزه داخلی با قرارداد
۳۲۶	مبارزه خارجی با قرارداد
۳۳۲	مبارزه فرائسه با قرارداد
۳۳۶	مبارزه آمریکا با قرارداد
۳۴۳	مبارزه روسیه با قرارداد
۳۶۳	قیام خیابانی
۳۶۸	پیاده‌شدن بلشویک‌ها در انزلی
۳۷۷	تذکرات پایانی
۳۷۸	یادداشت‌ها
۳۸۹	۱۱. تاریخ مالی ایران و سرشت دولت و جامعه
۴	یادداشت‌ها

یادداشت مؤلف

بیشتر این مقالات در سال‌های اخیر به زبان انگلیسی در مجلات علمی چاپ شد و اول‌بار برای ترجمه به فارسی انتشار، در اختیار ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی قرار گرفت و در همان‌جا نیز منتشر شد. از این روی، از آقای مهدی بشارت مدیرمسئول و سردبیر محترم این ماهنامه بسیار سپاسگزارم. چندی پیش مترجم گرامی به نویسندگی پیشنهاد کرد که مجدداً با شماره و به شکل کتاب منتشر گردد و اینک آن کتاب.

از کوشش‌های ارزنده آقای علیرضا صیّب برای ترجمه و نشر این مقالات (و مقالات دیگری که پیش‌تر منتشر شده است) بسیار سپاسگزارم و توفیق نشری را در انتشار کتاب خواستارم.

ع.ک.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آکسفورد

ژوئیه ۱۳۸۱

پیشگفتار

ریشه بررسی‌های اساسی آمده در کتاب حاضر به دههٔ ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) بازمی‌گردد. نورشاهی از انقلاب سفید شاه در سال ۱۳۴۲ نگذاشته بود که شورش‌هایی در خوزستان هم‌زمان به پا شد و در پی آن، دست طبقات ریشه‌دار اجتماعی به‌ویژه اربابان زمین‌دار، عمده‌ای بلندمرتبه، و دیگر گروه‌های سیاسی وفادار به قانون اساسی که خواهان تسلی عملیات بودند از مشارکت راستین در فرایندهای سیاست و حکومت‌داری کنار گذاشته شدند [۱]. نکتهٔ مهم، از لحاظ نظری و عملی این بود که دولت به‌جای طبقات اجتماعی و گروه‌های سیاسی‌ای که از صحنهٔ سیاست کنار گذاشته شده بودند طبقات جدیدی مانند طبقات تجاری و صاحبان حرفه‌های دفتری شهرنشین را پایگاه اجتماعی خود قرار داد. بنابراین، یعنی نظر هیچ طبقه‌ای در ادارهٔ امور کشور دخیل نبود تا قدرت سیاسی و حکومتی، مشروعیت خود را از آن بگیرد.

برعکس، رژیم پایگاه اجتماعی خود را از دست داد، همهٔ قدرتها و اختیارات را در دست خود متمرکز کرد و هر روز بیش از پیش همهٔ طبقات اجتماعی و برای همهٔ جامعه را نسبت به خود دشمن یا (به نسبت هرچه کمتر و کمترین) بی‌تفاوت ساخت. تغییری که رخ داد تغییر از دموکراسی به دیکتاتوری نبود بلکه نظام مشروطیت محدود (چیزی شبیه دیکتاتوری‌های اروپایی) به حکومت خودکامه تبدیل شد. درآمدهای رو به رشد نفتی که بعدها ارقام سرسام‌آوری پیدا کرد و آزادانه به دست دولت می‌رسید و به دست همان، توزیع می‌شد، سربرآوردن دوبارهٔ حکومت خودکامه را تسهیل و تقویت می‌کرد. ولی حکومت خودکامه، زادهٔ این

درآسدها نبود، چه این نظام در تاریخ ایران پدیده‌ای عادی و طبیعی بود. در واقع، پیش از آن نیز یک بار دیگر دبر پایان دوران حکومت قانونی در فاصلهٔ اواخر دههٔ ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) و سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱ میلادی) روند مشابهی پا گرفته بود.

در حال، به نظر نگارنده چنین می‌آمد که شیوه‌های فکری، مدل‌ها، رویکردها و نظریه‌های موجود (که همگی عملاً بر پایهٔ نظریه‌هایی استوار بود که دربارهٔ تاریخ اروپا پرداخته شده بود) نمی‌توانست تبیین رسا و کارآمدی از رویدادهای اجتماعی و سیاسی ایران به دست دهد و پیامدهای احتمالی آنها را نمایان سازد. برای نمونه بهرغم همهٔ امیدها و آرزوهای بسیاری از فعالان ایرانی و هواخواهان مسلک لیبرال، نمی‌شد با هیچ درجه‌ای از احتمال پیش‌بینی کرد که رژیم، در اوج دوران رونق و آبادی که کشور از سطح زندگی متوسطی برخوردار بود که پانزده سال پیش در آن چشم‌شده خوابش را دید، خیلی به سرعت و در نتیجهٔ یک انقلاب مردمی - که عملاً موقوف به نداشتن ساقط شود. علت، آن بود که چنین رخدادی با تاریخ اروپا و سایر سیستم‌های پارلمانی و با تحلیل‌هایی که خواه در ایران، در اروپای غربی، ایالات متحده یا اتحاد جماهیر شوروی بر پایهٔ آن تاریخ و عقل سلیم ارائه می‌شد تعارض داشت.

از همین رو، لازم به نظر می‌رسید برای بررسی گذشته و حال ایران به کمک رویکردی که به‌راستی توانایی تبیین و پیش‌بینی داشته باشد کوشش به عمل آید. اقر میانهٔ دههٔ ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) این بررسی تکوین نظریه‌ای دربارهٔ تاریخ، سیاست و جامعهٔ ایران راه برد که آن را در این کتاب شرح و با برخی جزئیات پرداخت کرده و در عین حال، در مورد برخی موضوعات خاص در این سه حوزه به کار بسته‌ایم.

به باور نگارنده، این رویکرد و بررسی‌های مبتنی بر آن به ما کمک می‌کند تا تاریخ و سیاست ایران را بهتر بفهمیم، در حالی که بسیاری از رویکردها و بررسی‌های دیگر، چنین موفقیتی به‌همراه ندارند. این رویکرد به حل بسیاری از مسائل پیچیده و بغرنج، مانند علل دشمنی مستمر میان دولت و جامعهٔ ایران قطع نظر از تغییر حکام، خاندان‌ها، رژیم‌ها، مذاهب و ایدئولوژی‌ها، یعنی علل پاسخگو نبودن دولت و حکومت‌ناپذیری جامعه، یا علت اینکه چرا انقلاب‌های ایرانی، چه سنتی و چه نو،

قیام تمام جامعه در برابر دولت بوده است نه قیام طبقات اجتماعی پایین تر در برابر طبقات اجتماعی بالاتر، کمک می‌کند. بدین وسیله چارچوبی نظری برای بررسی تاریخ ایران از عهد باستان گرفته تا دوران قدیم و نو فراهم می‌آید که دامنه آن فراتر از حد کارهایی که نگارنده تاکنون انجام داده است و در واقع بسیار فراتر از حد توان یک محقق واحد می‌رود. حتی شاید بتوان از آن برای یافتن رویکردهای واقع بینانه تر جهت بررسی دیگر جوامعی که ویژگی‌های مشابهی با ویژگی‌های مشهور ایران دارند یا جوامعی که مدل‌ها و نظریه‌های جاافتاده به نظر ناتوان از بررسی آنها بوده‌اند استفاده کرد.

این نشود که تلاشی مستمر برای نزدیک شدن به مرز دانسته‌هایمان و در یافتن دامنه‌های جدید داشته باشیم.

یادداشت

۱. عناصر سیستم زمین را نخستین بار در جریان بررسی پدیده اصلاحات ارضی در ایران

مطرح ساختند. ر. بیانی، بی‌نا.

H. Katouzian, "Land Reform in Iran. A Case Study in the Political Economy of Social Engineering," *Journal of Economic Studies*, 1974.

تلاش‌های اولیه برای ارائه خود را مدلار (که به سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ بازمی‌گشت) چه به‌طور مستقل و چه از حیث سبیری که بر آن‌های نفتی بر اقتصاد سیاسی ایران و دیگر کشورهای صادرکننده نفت داشت. او در دهه ۱۳۵۰ / ۱۹۷۰ در چشم نشریات و ناشران دانشگاهی معتبر جلوه نمی‌کرد.

www.ketab.ir

مقدمه

مقاله‌های منتشر شده در این کتاب و دیگر کتاب‌های این نویسندگان، حاصل دوره‌ای بیست و چندساله است (۱۱). نخستین مقاله‌ای که از این دست منتشر شد مقاله «جامعه که آب و پراکنده» است. در این مقاله نمونه بسط و پرداخت یافته مدلی ناظر بر منظر و جامعه‌شناسی تحولات جغرافیای ایران - یا نظریه‌ای درباره تاریخ ایران - بود. این مقاله نخستین بار در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ارائه شد و خود آن نیز حاصل بررسی‌های قدیمی تری بود که به میانه دهه ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) بازمی‌گشت [۲]. بنابراین، نظریه حکومت خودکامه که پویش بلندمدت حکومت خودکامه - هرج و مرج - حکومت خودکامه را تشریح می‌کند در یکایک و تمامی این مقالات جاری و ساری است و این نباید مایه شگفتی شود زیرا همه این مقالات در همین چارچوب نظری - که متباین با هر چارچوب نظری دیگری است - نوشته شده است. به همین ترتیب، نه تنها برخی از نکات تحلیلی اساسی - البته به اشکال مختلف - بارها در این مقالات آمده بلکه برخی شواهد تاریخی عیناً در چندتایی از آنها تکرار شده است. ولی شاید دلیل اصلی برخی از این همپوشی‌ها آن بوده که چون این نظریه توسعه داده و چندان شناخته شده نبوده است هر بار که آن را به کار بستیم به ناچار دستم را به تکرار آن را تشریح کرده و توضیح داده‌ام.

ولی با اینکه این مقاله‌ها لزوماً به هم وابسته‌اند و در مجموع، دلایل و شواهد مؤید نظریه حکومت خودکامه را به دست می‌دهند در عین حال، هر یک مقاله‌ای جداگانه و مستقل است. در واقع، به هم وابسته بودن آنها، هم نمایانگر تکامل یافتن نظریه حکومت خودکامه از خلال این بررسی‌هاست و هم نشان‌دهنده کاربست‌های

تاریخی مشخص آن. در عین حال، هر مقاله از مقاله دیگر مجزا و متفاوت با آن است زیرا به عنوان مقاله‌ای با موضوعی خاص، موجودیتی مستقل دارد و جدای از نظریه عمومی ساری در همه مقالات، نگاه خواننده را روی جنبه‌ای خاص از تاریخ و سیاست ایران متمرکز می‌سازد.

فصل نخست، مقاله‌ای است که مشخصاً برای انتشار در کتاب حاضر نوشته شده است. در این مقاله، به بحث درباره ریشه‌ها و اعتبار علمی نظریه حکومت خودکامه پرداخته‌ام. به دیگر سخن، در این فصل تاریخچه تکوین خود این نظریه و عناوین و نظریه‌ها گسترده‌تری که با آن در ارتباط است، و جوه روش شناختی آن، و آنچه برای بررسی و شناخت تاریخ گذشته، مسائل حال و چشم‌اندازهای آینده ایران دربردارد بازگو می‌گردد.

در فصل دوم، «مبارزه با دهم»، نظریه حکومت خودکامه و شواهد و مطالعات موردی مرتبط با آن ارائه شده است. فصل‌های دوم تا هفتم اساساً صبغه نظری تری دارند. این فصل‌ها ضمن روشن ساختن کلیت نظریه یادشده، تقریباً تمامی وجوه استدلال مرا که براساس تاریخ، سیاست و جامعه‌شناسی در تأیید آن اقامه کرده‌ام دربرمی‌گیرند و آنها را با نظریه‌ها و روش‌های مشابه در بررسی‌های صورت گرفته درباره جامعه‌های اروپایی مقابله و مقایسه می‌کنند. این کار از طریق ارائه شواهد مناسبی صورت می‌گیرد که از تاریخ و سیاست ایران و اروپا هر دو، برگرفته شده است.

در فصل دوم نشان داده‌ایم که از نظر روش شناختی، پرداختن نظریه‌ای جهان‌روا برای همه انقلاب‌هایی که در جهان رخ داده‌اند و خواهند بود، نشان‌پذیر نیست و استدلال کرده‌ایم که هرچند نظریه‌ای عمومی درباره انقلاب‌های اروپایی چیزی ناممکنی نیست ولی هنوز حتی چنین نظریه‌ای هم در دست نداریم. در همین حال، برای پرداختن نظریه‌ای عمومی درباره انقلاب‌های ایرانی، یعنی نظریه‌ای که همه قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگ ایران اعم از سنتی و نو، و تفاوت‌های ساختاری آنها را با انقلاب‌های اروپا تبیین کند پیشنهادهایی مطرح ساخته‌ایم.

فصل سوم حاوی شرحی مبسوط و مستند از اسطوره «فرّه ایزدی» و بحثی درباره نقش آن در مشروع‌سازی حکومت خودکامه است. از این گذشته، این اسطوره را با اسطوره اروپایی «حق الهی شاهان» که هدف از آن مشروع ساختن حکومت

مطلقه در اروپای سده‌های شانزدهم و هفدهم بوده است مقابله و مقایسه خواهیم کرد. و به‌طور مشخص‌تر نشان خواهیم داد که چگونه این دو نظریه به دو واقعیت اجتماعی و سیاسی متفاوت در اروپا و ایران اشاره داشته‌اند. در فصل چهارم نگاهی دقیق‌تر به وجه سیاسی آشکار نظریهٔ حکومت خودکامه خواهیم انداخت و مفاهیم پایه‌های آزادی و آموزه‌های لیبرالی اروپا را با یکدیگر و با مفاهیم و آموزه‌هایی مقابله خواهیم کرد که در سدهٔ نوزدهم میلادی در ایران سربرآوردند. در آن دوره بود که تماس نزدیک با اروپا به اصلاح‌طلبان و روشنفکران ایرانی ثابت کرد که حکومت خودکامه به‌علاوهٔ ناکریر. همچنین نشان خواهیم داد که چگونه به‌رغم برشده‌ها اروپاییان مفاهیم نو آزادی، آنها را در واقع در پرتو مسائلی تفسیر می‌کردند که از سنن دست‌جمعی خودکامه در ایران نشأت می‌گرفت.

در فصل‌های پنجم تا هشتم نظریه‌ای را که در فصل‌های پیشین بسط داده‌ایم در مورد تاریخ ایران نو، از انقباض مشروطیت به بعد، به‌کار می‌بندیم. در این فصل‌ها به بحث و تبیین این مسئله می‌پردازیم که چرا و چگونه تلاش‌های آگاهانه و مبارزات گسترده‌ای که از سدهٔ نوزدهم میلادی در ایران توسعهٔ سیاسی کشور صورت گرفت - با وجود برخی پیشرفت‌های قابل ملاحظه در برخی مقاطع حاصل شد - به ناکامی کشید. نشان خواهیم داد که چگونه سنت‌های نیرومند باستانی موجب اشتباه‌گرفتن آزادی با لجام‌گسیختگی، دموکراسی با هرج و مرج، حکومت مقتدر با حکومت مطلقه، و دیکتاتوری با حکومت خودکامه شدند. چگونه چرخهٔ بلندمدت حکومت خودکامه - هرج و مرج - حکومت خودکامه امری شایع در تاریخ ایران بود، به‌رغم آگاهی از مدل‌های اروپایی سیاست و حکومت. تجربه برای اتخاذ آنها در ایران، از ویژگی‌های سیاست در ایران نو شد.

سه فصل پایانی حاوی تجربی‌ترین مقالات در این کتاب است: آنها را واحد مشروطی در تأیید نظریهٔ حکومت خودکامه به‌دست می‌دهند، هرچند آنها نیز بین نظریه پایه گرفته‌اند. در فصل‌های نهم و دهم از زاویهٔ تازه‌ای به بررسی هر برهه از مهم‌ترین برهه‌های تاریخ ایران در سدهٔ بیستم میلادی می‌پردازیم که تا حدودی با هم ارتباط، و از نظر زمانی با یکدیگر همپوشی دارند. در این فصل‌ها شواهد ملموسی ارائه می‌شود که تا پیش از این کسی به آنها اشاره نکرده است و تغییرات چشمگیری در دانش ما از آن رویدادها ایجاد می‌کند.

فصل یازدهم نگاهی دورتر به تاریخ و سیاست ایران دارد و نشان می‌دهد که دقیقاً چگونه جامعه کوتاه‌مدت ایرانی تحت حکومت قدرتی خودکامه، مانع از توسعه مالکیت فئودالی، باگرفتن یک طبقه اریستوکرات مستقل، و انباشت درازمدت سرمایه که شرط لازم انقلاب‌های صنعتی است شد. در این فصل در چارچوب بحثی انتقادی دربارهٔ بررسی تازه‌ای که دربارهٔ اقتصاد سیاسی ایران در دوران حکومت صفویه و قاجاریه منتشر شده است، برخی شواهد مربوط به سال‌های ۸۸۰ تا ۱۳۰۵ (۱۵۰۰ تا ۱۹۲۵ میلادی) را به همراه شواهد تطبیقی از تاریخ اقتصادی فرانسه و انگلیس به دست می‌دهیم. شیوه‌های متعدّد و پیرطول و تنصیب مالیاتی، اجحاف‌گری، ضبط و غارت اموال را بررسی، و شواهد مستقیم بر تأیید وجود ناامنی مزمن - نه تنها برای مال بلکه حتی برای جان مردم - در رژیم قاجاریه ارائه می‌کنیم.

همان‌گونه که پیش‌مار یادآور شدیم ریشهٔ این بررسی‌ها به دههٔ ۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) بازمی‌گردد. در آن زمان نگارنده دو انگیزهٔ اصلی داشت: یکی تلاش برای فهم تاریخ و توسعهٔ ایران، چراکه مشاهدات، حتی مشاهدهٔ وضعیت همان ایام ظاهراً با پیش‌بینی‌های برخاسته از نظریه‌های عمومی بی‌سپ‌یافته در بستر تاریخ اروپا جور در نمی‌آمد، دیگری، کمک به توسعهٔ جامعهٔ ایرانی از راه تلاش برای دریافتن چگونگی عملکرد آن و نحوهٔ احتمالی ایجاد تغییرات مثبت و بلندمدت در آن. این دو انگیزه هنوز چون گذشته در این کتاب است.

یادداشت‌ها

۱. در این باره به این مقاله رجوع کنید: «مقاله‌ای در مورد نقش دولت در توسعه اقتصادی ایران»، در این مقاله به عنوان مکمل به این کتاب اشاره شده در کتاب حاضر مطالعه کرد. ر.ک. محمدعلی همایون کاتوزیان، «حکومت و توسعه اقتصادی ایران: نظریه‌ای تطبیقی درباره دولت، سیاست و جامعه ایران» و «جامعه کم‌آب و پراکنده»، در مجله «درازدت اجتماعی-اقتصادی در ایران» در مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نشر و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷؛ «مشکلات توسعه اقتصادی ایران»، ترجمه کاوه بیات، «ردّ الگویی برده‌داری - فئودالیسم - کاپیتالیسم در تحولات تاریخی ایران» (مصاحبه تدوین شده به همت مهدی سبحانی) و «دموکراسی و رشد و توسعه اقتصادی در ایران» و «ذکر بر دارکردن امیر حسنک وزیر» (ترجمه قهرمان سلیمانی) در چهارده مقاله در «اجتماع، فلسفه و اقتصاد»، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۲. متن اصلی مقاله «جامعه کم‌آب و پراکنده» نخستین بار در سال ۱۹۸۱ به آلمانی چاپ شد. ر.ک. به:

H. Katouzian, "Ein Modell einer langerfrisigen Entwicklung in Iran," *Peripheri* (Zeitschrift für Ökonomie und Politik in der Dritten Welten), December 1980.

مدل اولیه را در متن انگلیسی کتاب اقتصاد سیاسی ایران به‌ویژه فصل‌های دوم و سوم به‌طور مفصّل به دست داده بودم:

H. Katouzian, *The Political Economy of Modern Iran*, London and New York, Macmillan and New York University Press, 1981, esp. chapters 2 and 15.

بنابراین، مدل بسط‌یافته‌تر را پیش از نمونه‌ای که در سال ۱۹۷۸ نوشته و در کتاب یادشده در بالا چاپ شده بود پی‌ریزی کرده بودم.